

فیلمسازان کوچک در استودیوهای بزرگ

کارن لوو
ترجمه: مهید آستانانی

فیلمسازان مستقل و کوچک استودیوهای بزرگ فیلمسازی را قرق می‌کنند. پس از اختصاص میلیونها دلار به عنوان دستمزد ستارگان و جلوه‌های ویژه کامپیوتری، غول‌های هالیوودی نظرهای خود را به فیلمهای کم خرجی که مورد تحسین منتقدین قرار گرفته‌اند معطوف می‌کنند.

در یک رویارویی با استودیوهای بزرگ فیلمسازی، جوایز منتقدین لس‌آنجلس، نیویورک و دیگر انجمن‌های منتقدین که طی ماههای قبل اهدا شد، فقط و فقط به فیلمسازان و فیلمهای مستقلی چون رازها و دروغ‌ها، شکستن امواج و درخشش توجه نشان داد.

بزرگترین جایزه سینمایی آمریکا یعنی اسکار هم دو ماه قبل طی مراسم خاصی به فیلم کم‌خرج و مستقل بیمار انگلیسی داده شد. پرستیژ و اعتبار جوایز اسکار به موفقیت فیلمهای مستقل و کم‌خرج کمک فراوانی کرد. نکته جالب اینجاست که به دنبال اهدای جوایز اسکار به فیلمها، موفقیت مالی آنها هم شروع می‌شود.

سال قبل فیلم پستچی محصول کشور ایتالیا با سرمایه‌ای ۴ میلیون دلاری ساخته شد. پس از آنکه فیلم در چندین رشته نامزد دریافت اسکار شد، قبل از اینکه وارد بازار ویدئویی شود، ۸۰ میلیون دلار فروش کرد.

در مقایسه با این وضعیت ستارگان درجه یک هالیوودی برای بازی در هر فیلمی ۲۰ میلیون دلار دستمزد می‌گیرند. همین مسئله - و یکی دو مورد دیگر - باعث می‌شود هزینه تولید یک فیلم هالیوودی به‌طور متوسط تا مرز ۶۰ میلیون دلار بالا برود. در این بین دنیای آب هم با هزینه ۱۲۰ میلیونی خود جزء موارد استثنائی است.

چند سالی است که سالهای سینماها در آمریکا جای ویژه‌ای برای اکران فیلمهای استرالیایی، انگلیسی - و امسال دانمارکی‌ها - باز کرده‌اند، هر چند که هالیوود هنوز هم با فیلمهای مثل جری مگوآنو و مایکل می‌تواند آن احساس خوش و بی‌خیالی قدیمی را به عامه بینندگان خود هدیه کند.

چه کسی در رابطه با کم شدن نفوذ هالیوود در داخل کشور مقصر است؟ مظنونهای دم‌دست و معمولی این‌ها هستند: فیلمنامه‌نویسی گروهی، گروهی از بازیگران که در آخرین روز به یک فیلمنامه یا استودیو جواب رد می‌دهند، و هم‌چنین ستارگانی که فیلمنامه‌ها را به شیوه خود تغییر می‌دهند. (برای مثال داغ ننگ در ورسیون سینمایی خود با یک پایان خوش تمام شد)

لین ردگریو بازیگر زن سینما در فیلم درخشش نقش همسر یک پیانیست کنسرت را بازی کرد که در چند

دهه با بیماری روانی مبارزه می‌کند تا به حرفه مورد علاقه‌اش برسد. او می‌گوید فیلمهای مستقل پیروز و موفق می‌شوند، چرا که براساس واقعیت‌های موجود هستند و تماشاچی آنها را درک و قبول می‌کند: «در استودیوهای فیلمسازی همیشه سوژه‌های متفاوت و فراوانی وجود دارد. اجازه بدهید که بهترین آنها را برای کار انتخاب کنیم. اما استودیوهای بزرگ همیشه پس از انتخاب یک سوژه کم‌کم زمزمه سر می‌دهند که «بیا آخرش را تغییر دهیم، بگذار شروع آنها هم عوض کنیم، بیا کسانی را برای نقش‌ها انتخاب کنیم که کاملاً متفاوت به نظر می‌رسند.» و حرفهایی از این دست.»

ردگریو چنین ادامه می‌دهد. «برای فیلمسازان مستقل - بخصوص در استرالیا - مسئله اصلی تهیه سرمایه لازم برای تولید فیلم است. وقتی که این سرمایه فراهم شد، فیلمساز می‌تواند آن نوع فیلمی را که دوست دارد بسازد.»

مایکلی کارگردان رازها و دروغ‌ها وقتی جایزه بهترین کارگردانی را از انجمن منتقدین فیلم لس‌آنجلس می‌گرفت گفت معتقد است تا زمانی که او کاری با هالیوود ندارد و نمی‌خواهد فیلمی در آنجا بسازد، هالیوود هیچ کار اشتباهی نمی‌کند و او نمی‌تواند غلطی از کار او بگیرد: «من واقعاً فکر نمی‌کنم - و اینرا بدون هیچ خجالتی به همه می‌گویم - که احتمال اینکه فیلمهای من به آن شیوه فیلمسازی که در هالیوود لقب «سیستم» گرفته‌اند ساخته می‌شوند زیاد است.»

ردگریو می‌گوید امیدوار است موفقیت فیلمهای مستقل می‌تواند باعث شود هالیوود در سیستم فیلمسازی سنتی خود تجدیدنظر کند. در این شرایط از قدرت تهیه‌کنندگان کاسته می‌شود و بجای آن فیلمسازان و بازیگران خلاق می‌توانند آزادانه به کار خود بپردازند.

ویبک ویندلوف تهیه‌کننده شکستن امواج اهل دانمارک است. «چهار سال با لارس فون تریه کارگردان فیلم کارکرد تا فیلم ساخته و آماده اکران می‌شود. می‌گوید بعضی استودیوها واقعاً مایلند با فیلمسازان مستقل همکاری کنند. با این حال این خانم نسبت به نتیجه کار شک دارد: «ما خیلی سخت کار کردیم تا فیلم را

مستقلاً تهیه کنیم. لارس شرکت مستقل فیلمسازی خود - را به راه انداخت تا آزادی و استقلال داشته باشد و بتواند آن‌طور که خودش می‌خواهد کار کند. هیچ یک از ما قصد تسلیم شدن نداریم.»

اگر آنها نتوانند کار خود را به سرانجام برسانند، استانداردهای هالیوودی آنها را احاطه و خریداری خواهد کرد. هم‌اکنون حداقل می‌توان دو استودیوی هالیوودی را مثال زد که در صدد خرید شرکت هفت ساله «اکتبر فیلمز» هستند. این شرکت خالق دو فیلم موفق رازها و دروغ‌ها و شکستن امواج است.

پنجامین سوتسکی نویسنده هفته‌نامه سینمایی «اینترتینمنت» می‌گوید بسیاری از فیلمهای هالیوودی به دلیل فیلمنامه‌های غیرمنطقی و غلطی که دارند در اکران عمومی با شکست تجاری روبه‌رو می‌شوند: «چه کسی مسئول آن چیزی است که به عنوان قتل خونسردانه فیلمنامه‌های بزرگ آمریکایی مورد توصیف قرار می‌گیرد؟ شکنجه‌شاهدان دیگر کافی است. نیاید به هر کسی با سوء ظن نگاه کرد و به دنبال مقصر و گناهکار گشت.»

برای مثال، نزدیک به ۲۵ نفر به روی فیلمنامه فلینستونها کار کردند و این در حالی بود که بازیگران مطرح نویسندگان خودشان را سر صحنه فیلمبرداری هم آورده بودند. دوسارنویسی و بازنویسی دیوانه‌وار فیلمنامه‌ها باعث شده تا فیلم‌ها روی پرده سینما به صورت روایتگری‌های احمقانه و نقاط مرکزی گیج‌کننده و بدون پاسخ درآیند.

زمانی که آزمایشی لی پرسیده شد آیا حاضر است بر سر فیلمنامه‌ای که نوشته حساس باقی بماند و اجازه دخل و تصرف در آن را ندهد، ابرو در گره انداخت و گفت «دخل و تصرف؟» و با حالتی شبیه به غرارام گفت: «در هالیوود چیزی به نام فیلمنامه وجود ندارد. البته من فیلمهایم را بدون فیلمنامه می‌سازم. مدت شش ماه با بازیگرانم کار و تمرین می‌کنم. فیلم و قصه آن از دل کار ما رشد می‌کند. ما به تمرین خود ادامه می‌دهیم تا به آن منطقه‌ای برسیم که کاملاً مورد نظر بوده است.» □

بیمار انگلیسی

